

توصیف
ساختمان دستوری زبان
فارسی

بر بنیاد
یک نظریهٔ عمومی زبان

نوشته

محمد رضا باطنی

استادیار زبان‌شناسی دانشگاه تهران



شرکت چاپ و انتشارات ایران

چاپخانه شرکت سهامی افست (بیست و پنجم شهر یور)
اسفند ماه ۱۳۴۸ - تهران

پیشگفتار

آنچه در این کتاب تحت عنوان «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» عرضه میشود براساس تجزیه و تحلیل تقریباً یازده هزار جمله فارسی امروزیست که از کتابها، مجلات، روزنامه‌ها و نوشته‌های مختلف استخراج شده است. علاوه بر این از گفتگوی دوستان و معاشران خود نیز الهام گرفته‌ام و از شمس زبانی خود نیز به عنوان يك فارسی زبان استفاده کرده‌ام. جملات مزبور نخست در روی کارتهای مخصوص تجزیه و ثبت شد و آنچه در این کتاب عرضه میشود نتیجه‌ایست که از مقایسه و بررسی اطلاعات مزبور به دست آمده است. در این پژوهش سعی شده روابط ساختمانی زبان فارسی توصیف شود و حتی‌المقدور از توسل به ملاکهای معنایی خودداری شود. از آنجائی که شاید این اولین دستور ساختمانی زبان فارسی باشد که با اسلوب نوین زبان‌شناسی عرضه میشود، بدون تردید معایبی دارد ولی در ابتدای کار این لغزش‌ها اجتناب ناپذیر است و امید است با تذکر صاحب نظران عیوب آن برطرف گردد. اگرچه سعی شده مباحث این کتاب تا حد امکان ساده نوشته شود و با مثالهای فراوان همراه گردد، با وجود این کتابی است فنی و ناچار اطلاعاتی را بدیهی فرض کرده است.

توصیفی که از ساختمان زبان فارسی در این کتاب عرضه می‌شود برای تدریس دستور زبان در دبستان یا دبیرستان نیست. این توصیفی است فنی از ساختمان زبان فارسی که در درجه اول برای خواننده آشنا به زبان‌شناسی نوشته شده است. این توصیف می‌تواند مبنائی برای نوشتن دستورهای مختلف برای منظوره‌های مختلف قرار گیرد ولی خود باین صورت برای تدریس زبان فارسی یا دستور زبان فارسی در سطح‌های پائین مناسب نیست و برای چنین منظوری نوشته نشده است. برای تجزیه جمله‌ها یا کلمات فارسی به اجزای سازنده آنها گاهی مجبور شده‌ایم از رسم الخط معمول فارسی دور شویم، مثلاً بجای «ی» بنویسیم «ای»، و غیره؛ این دخالت‌ها آگاهانه و اجتناب ناپذیر بوده است. از آنجائی که خط

فارسی در بعضی موارد نارسا بوده است ، ناچار شده‌ایم مطالب را واج نویسی (transcription) کنیم. علائمی که در مقابل صداهاى زبان فارسی به کار رفته در جدول جداگانه‌ای در اول کتاب داده شده است.

اگر قرار باشد نام همه کسانى که بطور مستقیم یا غیر مستقیم در این کتاب سهمی دارند ذکر شود سخن بدرزا می‌گشت و بعید است که نویسنده بتواند حق مطلب را ادا نماید. در این میان سهم آقای دکتر محمد مقدم استاد و مدیر سابق گروه زبان‌شناسی از همه بیشتر است. اگر تشویق و همکاریهای ارزنده او نبود شاید این کتاب هرگز نوشته نمیشد. از نظریات دوست و همکارم آقای دکتر هرمز میلانیان نیز بهره‌مند شده‌ام و تأثیر او در لابلای مطالب کتاب به چشم می‌خورد. سهم دانشجویان گروه زبان‌شناسی که با نظریات نقاد خود توجه نویسنده را به نکات بسیاری جلب کرده و موجب اصلاح بسیاری از لغزشها شده‌اند نیز بسیار بزرگ است؛ در اینجا از همه آنان سپاسگزاری میکنم و از اینکه نام آنان را جداگانه نمی‌برم پویش می‌خواهم.

محمد رضا باطنی

اسفند ماه ۱۳۴۸

علائم صوتی

فهرست علائم صوتی که در این کتاب برای واج نویسی به کار رفته
و مقایسه آنها با علائم خطی فارسی

علائم صوتی	علائم خطی فارسی	علائم صوتی	علائم خطی فارسی
p	پ	z	ز ، ذ ، ظ ، ض
b	ب	r	ر
t	ت ، ط	ʃ	ش
d	د	ʒ	ژ
k	ك	y	ی
g	گ	x	خ
q	ق ، غ	h	ح ، ه
ʔ	ع ، ء	a	ا
č	چ	e	ی
j	ج	o	و
m	م	aː	آ
n	ن	i	ای
l	ل	u	او
f	ف	ow	او (مانند rowšan روشن)
v	و		
s	س ، ص ، ث		

فهرست

موضوع	صفحه
پیشگفتار	سه
علائم صوتی	پنج
فهرست	شش

فصل اول

دیباجه

۱-۱ عنوان رساله	۱
۲-۱ تعریف زبان	۱
۳-۱ ساختمان	۶
۴-۱ دستور	۷
۵-۱ فارسی	۸
۶-۱ توصیف	۱۲
۷-۱ نظریه عمومی زبان	۱۳
۸-۱ عیوب دستور زبانهای موجود	۱۴
۹-۱ رابطه صورت و معنی	۱۷

فصل دوم

نظریه زبانی مقوله و میزان

۱-۲ تعریف نظریه عمومی زبان	۲۰
۲-۲ طرح کلی نظریه مقوله و میزان	۲۰
۳-۲ ماده اولیه زبان	۲۱

شش

صفحه	موضوع
۲۲	۴-۲ ساختمان داخلی زبان
۲۲	۵-۲ فونولوژی یا دستگاه صوتی
۲۹	۶-۲ دستگاه خط
۳۰	۷-۲ رابطه دستگاههای صوتی و خطی با دستور و واژگان
۳۰	۸-۲ دستور و واژگان
۳۰	۹-۲ بافت
۳۳	۱۰-۲ معنی صوری

فصل سوم

مقولات دستوری نظریه عمومی زبان

۳۵	۱-۳ بخش دستوری نظریه عمومی زبان
۳۵	۲-۳ محورهای زنجیری و انتخابی
۳۷	۳-۳ محور زنجیری زبان
۳۷	۴-۳ محور انتخابی زبان
۴۱	۵-۳ محورهای زنجیری و انتخابی در دستگاه صوتی
۴۳	۶-۳ چهار مقوله دستوری
۴۳	۷-۳ واحد
۴۵	۸-۳ ساختمان
۴۶	۹-۳ طبقه
۴۸	۱۰-۳ دستگاه
۵۱	۱۱-۳ سه میزان دستوری
۵۱	۱۲-۳ میزان نمود
۵۲	۱۳-۳ میزان تحلیل
۵۳	۱۴-۳ واژگونی مرتبه
۵۵	۱۵-۳ روابط صوری در واژگان

فصل چهارم

ساختمان جمله

۶۰	۱-۴ پنج واحد زبان فارسی
۶۰	۲-۴ تمریف ساختمانی جمله

۶۰	۳-۴ جمله هسته‌ای
۶۲	۴-۴ طبقه بند آزاد و طبقه بند مقید
۶۳	۵-۴ فرمول ساختمانی جمله هسته‌ای
۶۴	۶-۴ تکرار
۶۴	۷-۴ تکرار همپایه
۶۵	۸-۴ تکرار ناهمپایه
۶۶	۹-۴ تکرار وابسته به ضرورت همپایه و ناهمپایه
۶۸	۱۰-۴ توالی وابسته‌ها
۶۹	۱۱-۴ انشعاب
۷۰	۱۲-۴ لانه‌گیری
۷۱	۱۳-۴ جمله خوشه‌ای

فصل پنجم

ساختمان بند

۷۴	۱-۵ تعریف ساختمانی بند
۷۴	۲-۵ عناصرهای ساختمانی بند
۷۵	۳-۵ تعریف عناصرهای ساختمانی بند
۷۶	۴-۵ مثال برای نشان دادن عناصرهای ساختمانی بند
۷۶	۵-۵ نمودار رابطه ساختمانی جمله، بند و گروه
۷۷	۶-۵ ملاکهای شناسائی مسندالیه و متمم
۷۷	۷-۵ ملاک شناسائی ادات
۷۸	۸-۵ تجزیه افعال مرکب
۸۰	۹-۵ انواع بند
۸۱	۱۰-۵ بند مهین
۸۱	۱۱-۵ توالی عناصرها در بند مهین
۸۲	۱۲-۵ تکرار عناصرها
۸۲	۱۳-۵ دستگاههای بند
۸۳	۱۴-۵ دستگاه پرسشی
۸۳	۱۵-۵ تقسیم بند به خبری و پرسشی
۸۳	۱۶-۵ تقسیمات بند پرسشی

موضوع	صفحه
۱۷-۵ کلمات پرسشی در بند	۸۴
۱۸-۵ بند با دو کلمه پرسشی	۸۶
۱۹-۵ موارد استعمال پرسشهای دو گانه	۸۶
۲۰-۵ مثالهای وجوه اخباری، التزامی و غیر شخصی در بند پرسشی	۸۷
۲۱-۵ چند نکته درباره دستگاه پرسشی	۸۸
۲۲-۵ دستگاه مقدم	۸۸
۲۳-۵ بندهای با متمم و بندهای بی متمم	۸۹
۲۴-۵ تقسیم بندی بندهای با متمم	۸۹
۲۵-۵ بندهای يك متممی	۸۹
۲۶-۵ بندهای يك متممی علامت دار	۹۰
۲۷-۵ ریز طبقه علامت دار ناشناخته	۹۰
۲۸-۵ متمم های علامت دار ناشناخته ساده	۹۱
۲۹-۵ متمم های بی علامت	۹۳
۳۰-۵ طبقه ضمایر متصل مفعولی	۹۴
۳۱-۵ بندهائی که دارای دو متمم هستند	۹۵
۳۲-۵ بندهائی که دارای سه متمم هستند	۹۷
۳۳-۵ دستگاه مطابقه	۹۸
۳۴-۵ تقسیمات دستگاه مطابقه	۱۰۰
۳۵-۵ مسند الیه ساده و ترکیبی	۱۰۱
۳۶-۵ مطابقه بین مسند الیه ترکیبی و اسناد	۱۰۲
۳۷-۵ بند کهن	۱۰۶
۳۸-۵ بندهای کهن با عنصر محذوف به قرینه در بند مهین	۱۰۶
۳۹-۵ نوع محاوره ای بند کهن	۱۰۷
۴۰-۵ بندهای کهن بدون عامل محذوف بقرینه در بند مهین	۱۰۸
۴۱-۵ بندهای کهن: مسند الیه، متمم، ادات نامتمايز	۱۰۹

فصل ششم

ساختمان گروه فعلی

۱-۶ تعریف گروه	۱۱۰
۲-۶ عنصرهای ساختمانی گروه فعلی	۱۱۱

صفحه	موضوع
۱۱۲	۳-۶ قورمول ساختمانی گروه فعلی
۱۱۳	۴-۶ عنصر «ف»، فعل واژگانی
۱۱۴	۵-۶ ساختمان کلمه فعل از نظر واژکهای سازنده
۱۱۶	۶-۶ امکانات طبقه واژکی که جایگاه پیشوند را اشغال می کند
۱۱۶	۷-۶ امکانات طبقه واژکی که جایگاه پی بند را اشغال می کند
۱۱۸	۸-۶ دوطبقه واژکی که جایگاههای ستاک حال و علامت گذشته را اشغال میکنند
۱۲۰	۹-۶ عامل نسبی
۱۲۱	۱۰-۶ جدول ساختمانی صورتهای مختلف فعل واژگانی
۱۲۲	۱۱-۶ عنصر سازنده منفی در گروه فعلی
۱۲۲	۱۲-۶ افعال ناقص در گروه فعلی
۱۲۶	۱۳-۶ عنصر غیر فعلی در گروه فعلی
۱۲۷	۱۴-۶ عنصر سازنده مجهول
۱۲۸	۱۵-۶ عنصر ساختمانی حالت
۱۲۹	۱۶-۶ دستگاههای گروه فعلی
۱۳۰	۱۷-۶ تقسیمات دستگاه شماره يك گروه فعلی
۱۳۱	۱۸-۶ طبقه خود ایستا
۱۳۱	۱۹-۶ طبقه غیر شخصی
۱۳۲	۲۰-۶ طبقه شخصی
۱۳۲	۲۱-۶ انشعابات وجه التزامی
۱۳۳	۲۲-۶ انشعابات وجه اخباری
۱۳۳	۲۳-۶ انشعابات گذشته (ماضی)
۱۳۴	۲۴-۶ انشعابات حال یا مضارع
۱۳۴	۲۵-۶ دستگاه شماره دو گروه فعلی
۱۳۵	۲۶-۶ دستگاه شماره سه گروه فعلی

فصل هفتم

ساختمان گروه اسمی

۱۳۷	۱-۷ تعریف ساختمانی گروه اسمی
۱۳۷	۲-۷ عنصرهای ساختمانی گروه اسمی
۱۳۹	۳-۷ وابسته های پیشرو

صفحه	موضوع
۱۴۰	۴-۷ طبقه‌ای که در جایگاه «ش ۱» قرار میگیرد
۱۴۲	۵-۷ طبقه‌ای که در جایگاه «ش ۳ و ش ۴» قرار میگیرند
۱۴۲	۶-۷ طبقه‌ای که در جایگاه «ش ۲» قرار میگیرد
۱۴۵	۷-۷ اعداد اصلی ، اعداد ترتیبی و اعداد وصفی
۱۴۶	۸-۷ وابسته‌های پی‌رو
۱۴۶	۹-۷ عنصر ساختمانی «ر» يك
۱۴۷	۱۰-۷ عنصر ساختمانی «ر» دو
۱۵۳	۱۱-۷ عنصر ساختمانی «ر» سه
۱۵۸	۱۲-۷ عنصر ساختمانی «ر» چهار
۱۵۸	۱۳-۷ عنصر ساختمانی «ر» پنج
۱۶۲	۱۴-۷ عنصر ساختمانی هسته
۱۶۳	۱۵-۷ دستگاه‌های گروه اسمی
۱۷۰	۱۶-۷ تکرار همپایه در گروه اسمی

فصل هشتم

ساختمان گروه قیدی

۱۷۱	۱-۸ تعریف ساختمانی گروه قیدی
۱۷۱	۲-۸ طبقه‌بندی گروه‌های قیدی

فصل نهم

ساختمان کلمه

۱۷۸	۱-۹ تعریف ساختمانی کلمه
۱۷۸	۲-۹ عناصر ساختمانی کلمه

ملحقات

۱۸۲	فهرست افعال نامنظم فارسی
۱۸۷	معرفی کتاب
۱۸۸	واژه‌نامه به ترتیب الفبائی فارسی
۱۹۱	واژه‌نامه به ترتیب الفبائی انگلیسی
۱۹۴	نمودار شبکه ارتباطی واحدهای پنجگانه زبان فارسی
۱۹۵	تجزیه يك جمله در شبکه ارتباطی واحدهای پنجگانه

فصل اول

دیباچه

۱-۱: عنوان این پژوهش «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی بر بنیاد يك نظریه عمومی زبان» گذاشته شده است. در این مقدمه کوشش می‌شود واژه‌هائی که در این عنوان گنجانیده شده‌اند توصیف شوند. واژه‌هائی که در این عنوان قرار دارند، با توجه به زمینه کار این پژوهش انتخاب شده‌اند و روشن کردن معنی فنی آنها در این مقدمه به فهم بحث اصلی کمک خواهد کرد.

۱-۲: تعریف زبان:

تعریف زبان به نحوی که مورد قبول همه زبان‌شناسان و دیگر دانشمندانی باشد که با زبان و مطالعه آن سروکار دارند، مقدور نیست. این اشکال از طبیعت خود زبان ناشی می‌شود. زبان پدیده بسیار پیچیده‌ای است که مطالعه آنرا نمی‌توان به يك قلمرو علمی خاص محدود کرد. زبان دارای جنبه‌های فراوانی است. از يك طرف زبان وسیله ارتباط بین افراد جامعه است. زبان تنها وسیله‌ای است که می‌تواند افراد جامعه را به هم پیوندد، و در نتیجه يك واحد اجتماعی به وجود آورد؛ به عبارت دیگر زبان مهمترین نهاد اجتماعی است. بنابراین، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان به خود حق می‌دهند زبان را از دیدگاه خودشان تعریف کنند.

از سوی دیگر، زبان وسیله بیان افکار و احساسات ما است. زبان تنها وسیله یا مؤثرترین وسیله ای است که جهان اندیشه و دنیای درون ما را با جهان بیرون مرتبط می کند. زبان والگوهای زبانی چنان با افکار و احساسات ما پیوند خورده اند که تجزیه آنها اغلب غیر ممکن است، و خود منشاء این کشمکش علمی است که آیا فکر بدون زبان می تواند وجود داشته باشد یا نه. از این گذشته، زبان یکی از جنبه های رفتار انسانی است. وقتی زبان از یک طرف تا این حد مربوط به جهان ذهنی ما و از طرف دیگر یکی از جنبه های مهم رفتار انسانی باشد، روانشناسی که مطالعه دنیای درونی انسان و رفتار او را قلمرو خاص خود می داند، بخود اجازه می دهد که به زبان از دیدگاه خود بنگرد. بنابراین روانشناسان نیز از زبان تعریفی دارند که خاص آنها است به دست داده اند.

در همین زمینه باید توجه خاص فیلسوفان و منطقیان را نیز به زبان یادآور شد. فعالیت فیلسوف برای شناخت جهان بیرون و دنیای درون انسان از دو طرف به زبان محدود می شود: از یک طرف، زبان فیلسوف میدان اندیشه او را محدود می کند. ممکن است این میدان برای فیلسوف وسیع تر از میدان فکری افراد معمولی اجتماع باشد، ولی واژگان (vocabulary) و نحو زبان (syntax) خواهی نخواهی برای جهان اندیشه و فعالیت فکری فیلسوف حسی می گذارد و اجازه می دهد فکر او فقط در مجراهای خاصی حرکت کند. از طرف دیگر او ناچار است اندیشه های خود را به زبان جاری کند، و در اینجا نیز زبان به او محدودیت هایی تحمیل می کند. در زمینه منطق باید یادآور شد که مباحث منطقی در حقیقت مباحث زبانی هستند. مبانی منطق از زبان استخراج شده است، و کسانی تا آنجا پیش رفته اند که گفته اند مردمی که دارای زبان متفاوت باشند دارای منطق متفاوت هستند. با چنین پیوستگی که بین فلسفه و منطق و زبان وجود دارد، باید به فیلسوفان و منطقیان نیز حق داد که به زبان از دریچه چشم خود نگاه کنند و ما تعریف های فراوانی از زبان داریم که بر اساس تعبیرهای فلسفی و منطقی قرار گرفته اند.

در سالهای اخیر که انتقال صوت به وسیله دستگاههای الکترونی میسر شده است،

زبان مورد مطالعه گروه تازه وارد دیگری به نام مهندسان ارتباطات (communi- cation engineers) قرار گرفته است. این عده بیشتر با خصوصیات فیزیکی زبان سرو کار دارند. اینان می‌خواهند بدانند خصوصیات فیزیکی صداهاى زبان در هنگام انتقال بوسیله تلفن، رادیو، تلویزیون، بلندگو و غیره ازفاصله‌های دور و نزدیک چگونه عمل می‌کنند. اینان نیز بخود اجازه می‌دهند زبان را از دیدگاه خودشان و با توجه به زمینه کار خودشان تعریف کنند.

یکی از پیشرفتهای مهم در زمینه زبانشناسی، تکامل روز افزون کار ماشین ترجمه است که با حسابگرهای الکترونی (computer) انجام می‌گیرد. از آنجائی که برنامه‌هائی که برای این ماشین تهیه می‌شود باید به زبان خاص ریاضی باشد تا برای ماشین قابل فهم باشد، عده‌ای از ریاضیدانان و زبانشناسانی که به ریاضی گرایش دارند می‌کوشند که زبان را از دیدگاه ریاضی مطالعه کنند. ایشان هم نظریه‌ها و تعریف‌های خاصی که اساس ریاضی دارد از زبان بدست داده‌اند.

زبان و زبانشناسی:

علاوه بر دانشمندان فوق که به مطالعه زبان به علت ارتباط آن با مسائل دیگر علاقه مند هستند، گروه دیگری هستند که مطالعه زبان را قلمرو خاص خود می‌دانند. اینان زبانشناسان هستند که زبان را نه بخاطر ارتباط آن با موضوعات دیگر بلکه بخاطر خود زبان مورد مطالعه قرار می‌دهند. تعریف‌هائی که این دانشمندان از زبان کرده‌اند بر طبیعت واقعی زبان بیشتر تکیه می‌کند. ولی تعریف زبان حتی در این قلمرو محدود هم کار ساده‌ای نیست. زبان آنچنان پیچیده و دارای بعدهای فراوانی است که گنجاندن تمام خصوصیات آن در یک تعریف غیر ممکن است. بنابراین، زبانشناسان هم بر اساس زمینه فکری خود و مکتب خاصی که بآن تعلق دارند از زبان تعریف‌های متفاوتی کرده‌اند. در تعریف یک زبانشناس ممکن است بعضی از خصوصیات زبان بیشتر مورد تکیه قرار گیرد و در تعریف گنجانده شود و بعضی دیگر در درجه دوم و سوم اهمیت قرار گیرد و صریحاً در تعریف زبان به آنها

اشاره نشود، درحالی‌که در تعریف يك زبان‌شناس دیگر ممکن است خصوصياتی که در تعریف قبلی بطور ضمنی به آنها اشاره شده بود بیشتر مورد توجه قرار گیرد و صریحاً در تعریف گنجانیده شده بود، و برعکس خصوصياتی که در اولی صریحاً در تعریف گنجانیده شده بود در اینجا در درجه دوم یا سوم اهمیت قرار گیرد و از آنها بطور ضمنی یاد شود.

آنچه باید به یاد داشت این است که اکثر این تعریف‌ها، با توجه به نقطه دید خاص آنها، درست است. اکثر آنها بهیچوجه ناقض یکدیگر نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. بنابراین اگر ما با تعریف‌های مختلفی از زبان برخورد کردیم نباید تصور کنیم که فقط یکی از آنها درست و بقیه غلط است، بلکه باید بخاطر آوریم که این تعریف‌ها از دیدگاه‌های مختلف شده است و این طبیعت پیچیده زبان است که اجازه می‌دهد از آن تعریف‌های مختلفی بدست داده شود. در حقیقت تعریف کاملی که تمام خصوصیات و کاربردهای زبان را دربر گیرد غیرممکن است.

کارکرد زبان:

مهم نیست که ما زبان را چگونه تعریف کنیم، یا اینکه اصلاً تعریف نکنیم. آنچه مهم است اینست که ما طبیعت زبان را بشناسیم و چگونگی کار آن را دریابیم. زبان از دو طرف بادیای مادی بیرون مربوط است:

الف- زبان وقتی از قوه به فعل می‌آید یا بصورت گفتار است یا بصورت نوشتار. اگر بصورت گفتار باشد، ماده اولیه‌ای که در آن بکار برده می‌شود صدا است؛ یعنی ارتعاش هوا و جابجا شدن انرژی. روشن است که این پدیده‌ای است فیزیکی و متعلق بجهان مادی بیرون. اگر زبان بصورت نوشتار باشد، ماده اولیه آن نشانه‌هایی است دیداری که آنهم متعلق بجهان فیزیکی بیرون است. (در این بحث هر جا «زبان» بکار برده می‌شود مقصود جنبه گفتاری آنست مگر آنکه تصریح شود که نوشتار مورد نظر است.)

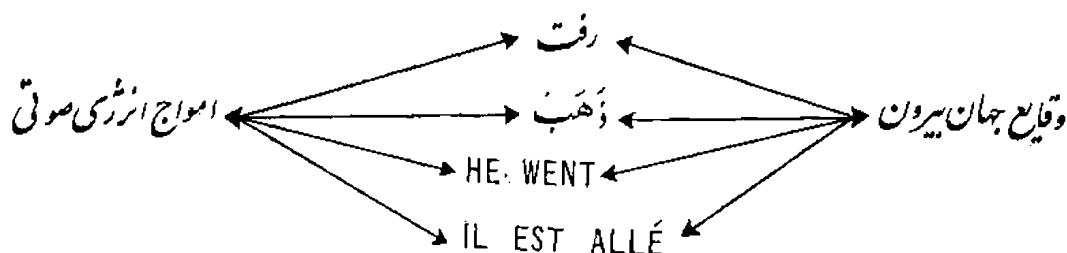
ب- ما این امواج صوتی را بکار می‌بریم تا درباره اشیاء، وقایع، روابط و

دیگر خصوصیات دنیای بیرون بحث کنیم. مثلاً وقتی می‌گوئیم «او رفت» این جمله قطعه‌ای از زبان است که از یک طرف، جزئیک رشته امواج صوتی با انرژی‌های متفاوت، چیزی نیست. از طرف دیگر این امواج را بکار می‌بریم تا دربارهٔ واقعهای دردنیای فیزیکی بیرون گزارش بدهیم: یعنی دربارهٔ حرکت یک انسان شناخته از نقطه‌ای نزدیک به نقطه‌ای دور در زمانی گذشته....

بنابراین زبان از دو طرف بادیای خارج در ارتباط است. ما این امواج انرژی صوتی را در زبان‌شناسی ماده یا جوهر (substance) می‌گوئیم و به وقایع دنیای بیرون که این امواج انرژی را در رابطه با آنها بکار می‌بریم محیط نام می‌گذاریم. ماده و محیط هر دو به زبان مربوط اند، ولی هیچکدام جزء زبان نیستند. امواج صوتی یک پدیدهٔ عادی دنیای فیزیکی بیرون است. همچنین وقایع و اشیاء جهان خارج - در مثال بالا رفتن شخصی - می‌توانند مستقل از زبان وجود داشته باشند. آنچه واقعاً زبان نام دارد رابطه‌ای است که زبانهای مختلف بطور متفاوت بین این امواج انرژی صوتی و وقایع دنیای خارج برقرار کرده‌اند. توضیح این بیان این است که امواج انرژی صوتی یکخواست و یک پارچه نیستند، بلکه دارای طرحهای متفاوتی هستند. عبارت دیگر، انرژی صوتی در قالبهای متفاوتی ریخته می‌شود و زبانهای جهان بطور متفاوت بین این الگوها و وقایع جهان بیرون رابطه برقرار می‌کنند. از اینجاست که گفته می‌شود آنچه زبان نام دارد مادهٔ صوتی و وقایع جهان بیرون نیست بلکه مجموعهٔ این الگوها و رابطهٔ آنها با جهان بیرون است.

همهٔ زبانهای جهان برای گفتگو دربارهٔ دنیای بیرون از انرژی صوتی استفاده می‌کنند. از این لحاظ همهٔ زبانها یکسان هستند. ولی نوع رابطه‌ای که بین امواج انرژی صوتی و وقایع جهان بیرون برقرار می‌کنند متفاوت است و از اینجا زبانهای متفاوت پدید آمده است. مثال بالا «او رفت» را در زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه مطالعه می‌کنیم:

در هر چهار زبان، امواج انرژی صوتی برای بیان یک واقعیت واحد دنیای خارج به کار رفته است. ولی الگوها یا طرحهای انرژی صوتی که در هر یک از این



چهار قطعه وجود دارد متفاوت است: این چهار زبان برای بیان يك واقعیت واحد، الگوهای متفاوتی را به ماده صوتی تحمیل کرده اند، یا به عبارت دیگر بین الگوهای صوتی و وقایع دنیای بیرون بطور متفاوت رابطه برقرار کرده اند.

پس مجموعه این الگوها و روابط است که زبان نامیده می شود. به این مناسبت است که در مکتب زبانشناسی انگلستان، که بعداً مفصل درباره آن گفتگو خواهیم کرد، زبان را چنین تعریف کرده اند: زبان نوعی رفتار انسانی است که دارای طرح است^۱.

اگر این تعریف را کمی بسط دهیم، می شود گفت: زبان نوعی رفتار انسانی است که دارای طرح است؛ این طرحها و الگوها بین امواج انرژی که از گوینده ساطع می شود از يك طرف و وقایع جهان بیرون از طرف دیگر رابطه برقرار می کند.

۳-۱: ساختمان:

به مجموعه این الگوها و نظامی که بین آنها قرار دارد ساختمان زبان گفته می شود. برای اینکه بهتر به مفهوم ساختمان زبان پی ببریم به توضیحی نیازمندیم. وقتی که سخن از ساختمان بطور کلی به میان می آید، همیشه دو مفهوم بطور ضمنی در آن گنجانده شده است.

الف - هر ساختمان دارای اجزائی است که گرد هم جمع می شوند و آن ساختمان را پدید می آورند. اگر این اجزاء سازنده، عناصر مادی باشند، آن

۱- (Language is a kind of patterned human behaviour)

ساختمان يك پدیده مادی خواهد بود - مثل دیوار که از اجتماع چند صد آجر ساخته شده است. ولی ممکن است آن اجزاء يك رشته روابط مجرد باشند. در آن صورت آن ساختمان يك پدیده انتزاعی خواهد بود. مثلاً هیئت وزیران دارای سازمان یا ساختمانی می باشد و مقصود از این ساختمان شبکه روابط چند جانبه ای است که بین وزراء از یک طرف و شخص نخست وزیر و سایر وزراء از طرف دیگر وجود دارد. چنین ساختمانی که از يك شبکه روابط مجرد درست شده، ساختمانی است انتزاعی.

ب- اجزاء يك ساختمان با نظم خاصی گردهم می آیند. نحوه ترکیب یا نظم این اجزاء یکی از مهمترین مشخصه های يك ساختمان است. اجزاء يك ساختمان ممکن است بطور همپایه باهم ترکیب شوند، مثل آجرهایی که دیواری را می سازند که همه دارای يك ارزش هستند، و یا ممکن است در قشرهای مختلفی قرار گیرند و بین آنها سلسله مراتبی باشد. چنین ساختمانی را ساختمان قشری می نامند.

زبان دارای ساختمانی قشری و انتزاعی است؛ البته به عنوان ماده اولیه از انرژی صوتی که عنصری ماده است استفاده می کند، ولی چنانکه در بالا گفته شد، آنچه بالاخص به آن زبان گفته می شود خود صداها نیستند بلکه الگوها و طرحهایی هستند که این اصوات بیا نگر آنها هستند و به این علت ساختمان زبان را غیر مادی یا انتزاعی می نامیم. از طرف دیگر این الگوها و طرحها نسبت به هم دارای روابط پیچیده ای هستند و بین آنها سلسله مراتبی برقرار است و به همین جهت ساختمان زبان را ساختمانی قشری می دانیم.

۴-۱: دستور:

الگوها و روابطی که مجموعاً ساختمان زبان را پدید می آورند انواع متفاوتی دارند. ما میتوانیم آنها را از سه پهلوی (level) مطالعه کنیم: دستور، واژگان و اصوات. به عبارت دیگر اگر تمام زبان را يك دستگاه واحد بدانیم، این دستگاه بزرگ به سه دستگاه کوچکتر تقسیم می شود که به آنها دستگاه دستوری، دستگاه واژگانی و دستگاه صوتی گفته می شود. هر يك از این دستگاهها خود در بر دارنده

دستگاههای فرعی دیگری هستند. به همین اعتبار است که بعضی از زبان‌شناسان زبان را «دستگاهی از دستگاهها» تعریف کرده‌اند.

ما در فصل بعد را جمع به آن نظریهٔ عمومی زبان که اساس کار این تحقیق قرار گرفته است صحبت خواهیم کرد، و در آنجا «دستور» را تعریف می‌کنیم و وجه امتیاز آنرا مخصوصاً با واژگان معلوم می‌کنیم. در اینجا باید یادآور شویم که این نوشته فقط به ساختمان دستوری زبان فارسی می‌پردازد و از واژگان و دستگاه صوتی زبان فارسی بحثی نخواهد کرد، مگر در مواردی که بحث دستور بدون بحث صوتی یا واژگانی غیر ممکن باشد. کلمهٔ «دستور» در عنوان به این جهت گنجانده شده است که مفهوم وسیع ساختمان را به این قلمرو خاص محدود کند.

۱-۵: فارسی:

تا اینجا توضیح داده‌ایم که کلمات «ساختمان»، «دستور»، و «زبان» را چگونه بکار می‌بریم. در این قسمت می‌خواهیم روشن کنیم که کلمهٔ «فارسی» را چگونه تعبیر می‌کنیم و آنرا در چه مفهومی بکار می‌بریم. بطور کلی وقتی گفته می‌شود زبان فارسی یا انگلیسی یا امثال آن، مثل این است که گفته شود درخت چنار یا تبریزی یا هر درخت دیگر. درخت چنار یا تبریزی یک مفهوم مجرد است و هر کدام از این دو نوع دردنیای بیرون افرادی را دربر میگیرند که از نظر شکل، اندازه و دیگر خصوصیات با هم متفاوت هستند، همچنین زبان فارسی یا انگلیسی یا هر زبان دیگر یک مفهوم کلی است و در واقع از اجتماع گونه (variant) های فراوانی تشکیل یافته است که به منزلهٔ افراد این مفهوم کلی و مجرد هستند. گونه‌های زبان را از جهات مختلف می‌توان طبقه‌بندی کرد، و ما در اینجا سعی می‌کنیم اساس این طبقه‌بندی را با توجه به زبان فارسی روشن گردانیم.

الف- گونه‌های فارسی از نظر زمان: زبان فارسی در روی بعد زمان به گونه‌های بیشماری تقسیم می‌شود که به صورت زنجیری از فارسی باستان تا امروز ادامه دارند. معمولاً فارسی را از نظر تاریخی به فارسی باستان، فارسی میانه و